

محاسبه و بررسی شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران در سال‌های

۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵

حسین عسکری پور لاهیجی^۱، رضا عطوفت شمسی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹

چکیده

بهبود شاخص توسعه انسانی بهترین سازوکار توانمندسازی انسان‌ها برای دستیابی به هدف ارتقای سطح زندگی آن‌ها است که از طریق بهره‌گیری از توانمندی‌های انسانی حاصل می‌شود. ارتقای سطح کیفیت زندگی افراد یک جامعه در گرو تحول اساسی در متغیرهای اقتصادی، آموزشی و بهداشتی است. پژوهش حاضر بر آن است تا وضعیت استان‌های کشور را از نظر شاخص توسعه انسانی برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ بررسی کند. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و از حیث نوع پژوهش کاربردی است. میانگین شاخص توسعه انسانی استان‌ها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۶۶۰، ۰/۶۵۰ و ۰/۶۲۷ است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استان‌های دارای شاخص توسعه انسانی پایین منطبق بر استان‌های مرزی کشور است. همچنین استان‌هایی که دارای وضعیت مطلوبی در شاخص توسعه انسانی هستند اغلب در مرکز کشور واقع شده‌اند. به‌طور کلی بافاصله گرفتن از مرکز کشور به سمت مناطق مرزی، شاخص توسعه انسانی کاهش می‌یابد. ملاحظه می‌گردد که شاخص آموزش استان‌ها، نقطه قوت شاخص توسعه انسانی استان‌ها است. در مجموع نابرابری شدیدی بین استان‌های کشور مشاهده می‌شود و این نابرابری در شاخص رفاه اقتصادی بیش از دو شاخص آموزش و بهداشت است.

طبقه‌بندی JEL: O15, I15, I25

کلید واژه‌ها: شاخص توسعه انسانی، امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیل، درآمد ناخالص ملی سرانه.

^۱ دکتری اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، عضو دانشگاه غیر انتفاعی قدیر لنگرود، لنگرود، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: hap152@yahoo.com

مقدمه

از دیدگاه تاریخی، درآمد سرانه به‌عنوان شاخص توسعه قلمداد می‌شده است که چنانچه این نظریه را ردیابی کنیم به نظریه پیگو^۱ خواهیم رسید اما آناند و راولیون^۲ در سال ۱۹۹۳ به رویکرد مبتنی بر دارایی مادی توسعه، انتقاد کردند (آناند و راولیون، ۱۹۹۳). متدولوژی برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۳، بر این ایده اساسی است که پیشرفت جوامع انسانی را نمی‌توان تنها با درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد، بلکه لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه برداشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. اساس حرکت هر جامعه برای رسیدن به توسعه، عامل انسانی است. انسان هم عامل توسعه و هم هدف نهایی آن است (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۰). به دلیل چنین اهمیتی، امروزه توسعه مردم محور در مرکز توجه و بحث‌های توسعه انسانی قرار دارند. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، از ایران به‌عنوان کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) نام‌برده شده است (بخش چهارم، فصل اول). دستیابی به این هدف مستلزم بررسی دقیق وضعیت ایران و مناطق، شناسایی نقاط ضعف و قوت آن، تعیین راه‌کارها و انتخاب برنامه توسعه‌ای مناسب در طول دوره سند مذکور است. بدین منظور، گزینش معیارهای مناسب برای ارزیابی اقدامات انجام‌شده در مسیر رسیدن به جایگاه اقتصادی مناسب از اهمیت بسزایی برخوردار است.

مهم‌ترین مسئله در تعریف توسعه، نوع دید آن راجع به انسان است. در این مورد باید در نظر داشت که توسعه چه دیدی از انسان می‌دهد و نگرش آن به انسان چگونه است و هدف خود را بر چه مبنایی قرار می‌دهد، توسعه در حقیقت برای انسان و در مورد انسان است (اسکاپ^۴، ۱۹۹۶)، زیرا برای تبیین توسعه باید انسان را با تمام جنبه‌های وجودی او به‌عنوان یک موجود متفکر که توانایی ایجاد تغییر در محیط زندگی و فعالیت خود را دارد بشناسیم و نیازهای او را تعریف کنیم و هدف خود را اولویت بخشیدن به نیازهای او قرار دهیم.

توسعه انسانی از دیدگاه فلسفی به مفهوم توجه و احترام به فردیت انسان است، به این معنی که توسعه انسانی نیل هر فرد به خواسته‌ها و آرزوهای فردی را هدف قرار می‌دهد و نمی‌خواهد که افراد انسانی به‌عنوان اجزایی در یک مجموعه یکدست شده، همگی تابع الگوهای مادی و معنوی ثابت و یکنواختی باشند که برای یک جامعه در نظر گرفته می‌شود و بدون توجه به تفاوت‌های فردی انسان‌ها به آن‌ها تحمیل می‌شود. در واقع هر فرد باید بتواند با رعایت حدود خود و حقوق دیگران در مسیر نیل به تمام نیازها و آرزوهای شخصی پیش رود. دستیابی به زندگی بهتر، از یک طرف نیازمند مصرف بیشتر کالاها و خدمات و از طرف دیگر ثمره رشد استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. لذا گسترش ظرفیت‌های ذهنی از طریق آموزش در کنار درآمد، از عناصر اصلی توسعه انسانی به شمار می‌رود. بر این اساس کشوری در فرایند توسعه موفق‌تر خواهد بود که دانش و آگاهی افراد جامعه را افزایش داده و از سرمایه انسانی بهره‌گیری منطقی و درست داشته باشد. در کنار افزایش دانش و آگاهی کاسیسائو و همکاران^۵ (۲۰۱۶)، معتقدند امنیت غذایی نیز جزء اصلی از توسعه انسانی است. شاخص توسعه انسانی معیار کلی از وضعیت توسعه انسانی است که دستاورد کشورها را در سه بعد توسعه شامل آموزش، بهداشت و رفاه اقتصادی نشان می‌دهد (پرمانیر^۶، ۲۰۱۳). شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی محسوب می‌شود که قابلیت مقایسه کشورها و مناطق مختلف و تعیین جایگاه از آن‌ها را دارد. این شاخص به‌منظور توسعه‌یافتگی کشورهای مختلف و همچنین بررسی روند بهبود آن در سال ۱۹۹۰ توسط سازمان ملل متحد ارائه گردید. مردم و دولت‌های متبوع قادر هستند، پیشرفت‌ها را در طول زمان با شاخص توسعه انسانی ارزشیابی نمایند و برای دخالت سیاسی و اقتصادی اولویت تعیین کنند. شاخص توسعه انسانی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها با توجه به جایگاه و نقش مؤثر نیروی انسانی در راستای برنامه‌های توسعه، ترسیم نمای کلی از کشور در افق ۱۴۰۴، ضرورت تأکید و توجه بیشتر به ابعاد انسانی توسعه استان‌ها به‌ویژه استان‌های محروم را آشکار می‌نماید. شاخص توسعه انسانی به معنای رتبه‌بندی کشورها از نظر پیشرفت‌های توسعه انسانی و متوسط آسودگی‌های زندگی است. بهترین موارد استفاده از شاخص توسعه انسانی، برانگیختن گفتگوی سازنده در باب سیاست کمک‌دهی به استان‌های نیازمند است. با رتبه‌بندی استان‌ها، می‌توان نقاط ضعف و قوت آن‌ها را مشخص نمود و با توجه به آن، لزوم ترقی شاخص‌های سطح پایین را با استفاده سازمان‌دهی و هدایت دقیق منابع میسر نمود. در مورد سایر شاخص‌ها که در رتبه‌های بالایی قرار دارند، بایستی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های درست به‌منظور

^۱ Pigou

^۲ Anand and Ravallion

^۳ United Nation Development Programme

^۴ Escap

^۵ Conceicao et al

^۶ Permanyer

تداوم نتایج به دست آمده ایجاد شود. هدف این پژوهش محاسبه شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ است که برای رسیدن به این هدف سؤال زیر مطرح می‌شود. شاخص توسعه انسانی در استان‌های مختلف ایران در دوره ۹۵-۱۳۸۵ چه مقدار است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم توسعه، تقریباً در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، بر مبنای ضرورت‌های بازسازی در کشورهای آسیب‌دیده از جنگ در جهان متداول شده است. از آن زمان تاکنون مدل‌ها و الگوهای گوناگونی برای دستیابی به توسعه پیشنهاد شده و به تدریج درک و فهم جوامع از توسعه دچار تحول گردیده و روبه تکامل گذاشته است (تودارو، ۲۰۱۲). تا دهه ۱۹۷۰ رشد اقتصادی با پیشرفت متغیرهای کمی اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه سنجیده می‌شد ولی به تدریج با تشدید مسائلی همچون فقر، بیکاری و نابرابری، حتی در کشورهایی که دارای رشد اقتصادی بالایی بودند، کاربرد متغیرهای اقتصادی به عنوان تنها عامل مؤثر در سنجش توسعه مورد تردید قرار گرفت و چگونگی توزیع منافع حاصل از رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، آموزش و سطح بهداشت جوامع، ابعاد توسعه را مطرح ساخت (موثقی، ۱۳۷۸) که تحت عنوان شاخص توسعه انسانی مورد توجه محافل علمی قرار گرفت.

توسعه انسانی انسان‌ها را در مرکز توسعه قرار می‌دهد. توسعه انسانی در واقع به مفهوم فرایند گسترش حیطه انتخاب افراد (سوری و بروزر، ۲۰۱۱) و بهبود رفاه آن‌هاست. شاخص توسعه انسانی^۲ نیز ابزاری استاندارد برای سنجش توسعه انسانی است (حصاری، ۱۳۹۴). شاخص توسعه انسانی به عنوان شاخص ارزیابی کمی سرمایه انسانی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص توسعه انسانی یک شاخص جامع است که مشخصه‌های سطح توسعه انسانی در کشورها و مناطق مختلف کشورها را منعکس می‌کند (یاکانینا و باچکاوا^۳، ۲۰۱۵). شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی است که در سال ۱۹۹۰ با طراحی محبوب الحق^۴ و آمارتیا سن^۵ توسط برنامه توسعه‌ی سازمان ملل متحد معرفی و مورد استفاده قرار گرفت (سازمان ملل متحد)، این شاخص به دو دلیل با اقبال عمومیت مواجه شده است. اول این که این شاخص دارای اجزای متعددی است و به دلیل همین اجزا فراگیرتر از تولید ناخالص داخلی سرانه و یا سایر سنجش‌های متداول مبتنی بر درآمد و مصرف باشد. دوم این که محاسبه این شاخص آسان است و نیازمند اطلاعات کمی است و به همین دلیل محاسبه آن برای کشورهای در حال توسعه امکان‌پذیر هست و در عمل برای مقایسه سودمندتر است (حصاری، ۱۳۹۴). توسعه انسانی دو وجه دارد: یکی ایجاد قابلیت‌های انسانی مانند سلامتی، دانش و مهارت و دیگری استفاده افراد از قابلیت‌های کسب شده برای ایجاد فرصت‌ها، مانند فعالیت در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۰). توسعه انسانی انسان را در مرکز الگوهای توسعه قرار می‌دهد نه در کنار آن. همچنین زمینه‌های ژرفی درباره ویژگی‌های رشد اقتصادی و چگونگی توزیع آن به میان می‌آورد (فطرس و همکاران، ۱۳۹۰). در کل می‌توان توسعه انسانی را در فرایند بسط انتخاب‌های افراد و افزایش سطح رفاه زندگی دانست (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳). از سال ۱۹۹۰ به بعد، همه‌ساله گزارشی از توسعه انسانی توسط برنامه سازمان ملل متحد منتشر می‌شود. در این گزارش‌های سالانه، با استفاده از شاخص‌های جزئی‌تر، مثل شاخص بهداشتی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط‌زیست وضعیت کشورها و مناطق مختلف با یکدیگر مقایسه می‌شود. در نخستین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ آمده است: مردم، یعنی زنان و مردان، ثروت واقعی هر ملتی را تشکیل می‌دهند. هدف توسعه، خلق شرایطی است که مردم بتوانند در آن از طول عمر طولانی و زندگی سالم و سازنده بهره‌مند شوند. انتشار این گزارش کمک می‌کند تا مردم دوباره در مرکز توجه توسعه جای‌گیرند (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۰)؛ بنابراین سازمان ملل از سال ۱۹۹۰ شیوه جدیدی برای اندازه‌گیری توسعه کشورها و مقایسه آن‌ها با یکدیگر انتخاب نمود. این شیوه منجر به معرفی شاخص جدیدی تحت عنوان شاخص توسعه انسانی گردید (زینل زاده و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع، برنامه توسعه سازمان ملل شناختن توسعه انسانی را بر اساس نماگرهای کیفیت فیزیکی زندگی معرفی کرد (امیری، ۱۹۹۰). شاخص توسعه انسانی دارای سه بعد اصلی: آموزش، بهداشت و سلامتی و رفاه اقتصادی است (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۰). در گزارش‌های منتشر شده توسط برنامه توسعه سازمان ملل از سال ۲۰۱۰ تغییر در محاسبه شاخص توسعه انسانی صورت گرفت به همین دلیل شاخص توسعه انسانی

¹ Suri & Boozer

² Human Development Index

³ Yakinov & Bacchus

⁴ Mahbub-Ul. Hag

⁵ Amartya Sen

قبل سال ۲۰۱۰ را نمی‌توان با سال‌های بعد مقایسه کرد (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱). در این گزارش به‌غیر از بهداشت که همچنان با شاخص امید به زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود، در بعد آموزش از دو شاخص متوسط طول دوره که صرف آموزش می‌شود (در افراد بزرگ‌سال ۲۵ سال به بالا) و طول دوره مورد انتظار برای تحصیل کودکان در سن ورود به مدرسه و برای بعد رفاه اقتصادی از درآمد ناخالص ملی سرانه به برابری قدرت خرید دلار آمریکا^۱ استفاده شده است (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۱۱). برابری قدرت خرید تعدیلی است که در درآمد ناخالص ملی انجام می‌شود و قدرت خرید کشور را نسبت به کشورهای دیگر منعکس می‌سازد. دلار بین‌المللی، یا برابری قدرت خرید دلار، همان قدرت خرید برحسب درآمد ناخالص ملی را دارد که دلار آمریکا در ایالات متحده (نافزیگر، ۱۳۹۵). همچنین به دلیل شکاف زیاد بین کشورهای دارای درآمد پایین و بالا، برای محاسبه شاخص به‌جای رقم مطلق درآمد ناخالص ملی سرانه به برابری قدرت خرید، از لگاریتم درآمد ناخالص ملی سرانه به برابری قدرت خرید دلار استفاده می‌شود (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۰). روش جدید و قدیم ابعاد سه‌گانه شاخص توسعه انسانی در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۱: ابعاد توسعه انسانی و متغیرهای جانشین

ابعاد	روش قدیم	روش جدید
بهداشت	امید به زندگی در بدو تولد	امید به زندگی در بدو تولد
آموزش	نرخ باسوادی نرخ ثبت‌نام در مدرسه	متوسط طول دوره که صرف آموزش می‌شود (در افراد بزرگ‌سال ۲۵ سال به بالا) طول دوره مورد انتظار برای تحصیل کودکان در سن ورود به مدرسه
رفاه	GDP سرانه	GNI سرانه

هرچند بحث جانشینی بین سه شاخص جزئی‌تر تشکیل‌دهنده شاخص توسعه انسانی تا حدی وجود دارد، اما در روش قدیم محاسبه شاخص توسعه انسانی جانشینی کامل وجود دارد که در این صورت می‌توان در هدف نهایی شاخص توسعه انسانی که همان نشان دادن سطح توسعه انسان‌محور بین کشورها و مناطق و تغییرات آن طی زمان است، انحراف ایجاد کرد (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۱۰). برای آن که بتوان از ترکیب شاخص‌های فوق که واحدهای متفاوت دارند به یک شاخص واحد رسید و هم برای این که شاخص ترکیبی به‌دست‌آمده این قابلیت را داشته باشد که بتواند مناطق مختلف را رتبه‌بندی نماید، ابتدا هر یک از سه مؤلفه سازنده شاخص توسعه انسانی بر اساس عبارت تعریفی زیر شاخص بندی می‌شوند:

$$\text{کمترین مقدار شاخص} - \text{متوسط شاخص در کشور مورد نظر} = \text{شاخص پایه}$$

$$\text{کمترین مقدار شاخص} - \text{بیشترین مقدار شاخص}$$

همان‌گونه که از فرمول فوق مشخص است، برای این که هر یک از شاخص‌ها با استفاده از این فرمول به شاخص نرمال تبدیل شوند، لازم است هر یک از آن‌ها مقادیر حداقل و حداکثر در نظر گرفته شود. با تعیین مقادیر حداقل و حداکثر که استاندارد آن توسط سازمان ملل ارائه شده است اقدام به محاسبه شاخص توسعه انسانی از روش میانگین هندسی می‌کنیم. مقادیر حداقل و حداکثر مطابق جدول ذیل است.

جدول ۲: مقادیر حداقل و حداکثر ثابت اجزای شاخص توسعه انسانی

عنوان	حداکثر	حداقل
امید به زندگی در بدو تولد	۸۵	۲۵
متوسط طول دوره‌ای که صرف آموزش می‌شود (در افراد بزرگ‌سال ۲۵ سال به بالا)	۱۳/۲	۰
طول دوره مورد انتظار برای تحصیل کودکان در سن ورود به مدرسه	۲۰/۶	۰
درآمد ناخالص ملی سرانه (PPP\$)	۱۰۸۲۱۱ دلار	۱۰۰ دلار

مأخذ: گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۱۰

گزارش توسعه انسانی سازمان ملل که هر ساله بر پایه اطلاعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... منتشر می‌شود منبع مفیدی برای آشنایی با نقاط ضعف و قوت هر کشور و اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت رشد و توسعه هرچه بیشتر است. در این راستا از انقلاب مشروطه تاکنون، بیش از ۱۰۰ سال است، مردم ایران برای غلبه بر توسعه‌نیافتگی تلاش می‌کنند، برای نیل به چنین هدفی بررسی وضع موجود و شناخت رتبه و جایگاه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... کشور از الزامات کار محسوب می‌شود. اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۷ منتشر شد. در این راستا گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد سالانه اطلاعات مناسب و مفیدی از وضعیت کشور تهیه و منتشر می‌کند که می‌تواند راهنمای مناسبی برای مسئولان کشور در جهت تدوین سیاست‌های مناسب اقتصادی و اجتماعی باشد به این دلیل در سال‌های اخیر تأکید فراوانی بر توسعه انسانی شده است. از سال ۱۳۶۰ به بعد شاخص توسعه انسانی در ایران ارتقاء یافته است (اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸) به نظر می‌رسد آنچه مهم است، تعادل و برابری مناطق مختلف کشور از نظر این شاخص است.

وضعیت بسیاری از کشورها و مناطق به لحاظ شاخص توسعه انسانی دارای تفاوت‌ها و اختلافات فراوان باهم است. از این رو گام نخست درزمینه‌ی کاهش نابرابری منطقه‌ای، باید به مطالعه وضع موجود و بیان شفاف و علمی میزان نابرابر منطقه‌ای برداشت شود. در این راستا چه در داخل و چه در خارج از کشور مطالعات ارزنده‌ای صورت گرفته است که در غنای پژوهش حاضر نقش فراوانی داشته‌اند. راولیون^۱ (۱۹۹۷) در مقاله خود تحت عنوان «رشد خوب و بد: گزارش توسعه انسانی» بر اقدامات متنوع کشورها در بهبود شاخص‌های توسعه انسانی تأکید کرده و نرخ رشد آن‌ها را به دست می‌آورد. این مقاله همچنین مطالبی که گزارش توسعه انسانی در خصوص موضوع‌های مختلف بیان می‌کند را بررسی می‌کند.

نوربخش (۱۹۹۸) در تحقیقی تحت عنوان «شاخص‌های توسعه انسانی تعدیل شده» به بررسی این شاخص بین کشورهای مختلف می‌پردازد. شاخص پیشنهادی وی بر اساس قسمت‌هایی از شاخص توسعه انسانی پایه‌گذاری شد. بر این اساس، کانادا حائز رتبه اول و دانمارک دارای رتبه بیستم بوده است.

طالبی وزنگی آبادی (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای در «تحلیل شاخص‌ها و تحلیل عوامل مؤثر در توسعه انسانی با استفاده از روش تحلیل عاملی»، نشان داد که دسته عامل مربوطه به شاخص‌های آموزش بیشترین تأثیر را در شاخص توسعه انسانی دارد و به همراه عوامل اقتصادی و اشتغال، توانسته‌اند حدود ۴۶ درصد از واریانس را توضیح دهند.

استیو مورس^۲ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل بهتر یا بدتر شدن شاخص توسعه انسانی برای ما؟» به بررسی روش‌های مختلف محاسبه شاخص توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ برای ۱۱۴ کشور می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که در برخی موارد رتبه کشورها بین ۱۰ تا ۱۵ واحد تغییر داشته‌اند، وی در ادامه پیشنهاد می‌دهد که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها به افزایش متغیرهای این شاخص توجه ویژه‌ای داشته‌اند.

خاکپور و پوری (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شاخص توسعه انسانی در کشورهای اسلامی»، به این نتیجه رسیدند که به‌طور کلی شاخص توسعه انسانی کشورهای اسلامی جهان از شاخص توسعه انسانی کشورهای در حال توسعه و کل کشورهای جهان پایین‌تر است. بررسی ضریب همبستگی بین شاخص توسعه انسانی و سطح سواد در سطح جهان نشان می‌دهد که یک رابطه مثبت و خیلی قوی‌ای در حدود ۹۸ درصد در این زمینه وجود دارد.

هوو^۳ و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله خود تحت عنوان «پویایی شاخص توسعه انسانی»، راه‌های مختلف بهبود شاخص توسعه انسانی از نظر جریان خالص توسعه انسانی در حوزه‌های مادی، سلامت و آموزش و پرورش را پیشنهاد کرده و با استفاده از مقایسه شاخص توسعه انسانی نشان می‌دهد که اندازه‌گیری توسعه انسانی با متغیرهای نامبرده عملکرد بهتر توسعه انسانی از نظر بهداشت و آموزش و پرورش را نسبت به اندازه‌گیری سنتی فراهم می‌کند.

سلکاک آکای^۴ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «فساد و توسعه انسانی با استفاده از روش داده‌های تابلویی» به بررسی فساد و اثرات آن بر توسعه انسانی پرداخت. وی بیان می‌کند که فساد زمانی ایجاد می‌شود که مقامات دولتی مسئولیت مستقیم برای ایجاد و توزیع خدمات عمومی داشته باشند. وی از طرف دیگر، توسعه انسانی را گسترش انتخاب‌های افراد جامعه تعریف می‌کند و بیان می‌کند که

^۱ Ravallion

^۲ Morse

^۳ Hoo

^۴ Selcuk Akcay

انتخاب‌های افراد تنها با افزایش قابلیت‌های انسانی بهبود می‌یابد که می‌تواند از طریق توسعه منابع انسانی چون سلامتی و تغذیه و تحصیلات بهبود یابد.

عباس نژاد و رفیعی امام (۱۳۸۵) در مطالعه به بررسی «ارزیابی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران» بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل پرداختند. بر این اساس میانگین شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۶۵ برابر ۰/۳۵۷ برآورد شده که در طول یک دهه با رشد ۲/۸ درصدی به ۰/۴۶۹ در سال ۱۳۷۵ رسیده است. با توجه به ارقام و ارقام مشاهده می‌گردد که تمام مناطق روستایی از توسعه انسانی پایین برخوردار بوده‌اند که این موضوع بسیاری از نابسامانی‌ها از جمله مهاجرت روستاییان به شهرها را به دنبال دارد. کریمی موغاری و عباسپور (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه شاخص توسعه انسانی ایران و ترکیه از (۲۰۰۹-۱۹۹۰)»، به ارزیابی جایگاه شاخص توسعه انسانی ایران بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۰ و همین‌طور تا سال ۲۰۰۹ و مقایسه این شاخص در ایران و ترکیه می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشانگر بهبود روند شاخص توسعه انسانی در هر دو کشور است؛ هرچند ترکیه در اغلب شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی عملکرد بهتری از ایران داشته است.

نوبخت (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «شاخص توسعه انسانی و مقام ایران در جایگاه جهانی» به بررسی شاخص‌های توسعه انسانی، تعریف و نحوه محاسبه هر کدام از شاخص‌ها بر اساس روش سازمان ملل پرداخته و جایگاه ایران را در هر کدام از این شاخص‌ها در سال (۱۹۸۰-۲۰۱۱) بررسی می‌کند.

علیخانی و همکاران (۱۳۹۱) در «بررسی شاخص توسعه انسانی در ایران و کشورهای» منتخب نشان داد که شاخص توسعه انسانی در ایران از ۰/۵۷۱ در سال ۱۹۷۵ به ۰/۷۸۲ در سال ۲۰۰۹ افزایش پیدا کرده است. همچنین، ایران در بین ۱۸۲ کشور جهان، رتبه ۸۸ را به خود اختصاص داده و در بین کشورهای منطقه حوزه سند چشم‌انداز بیست‌ساله در رتبه دوازدهم قرار دارد.

طاهری و طرانیان (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «شاخص توسعه انسانی در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی» نتیجه گرفتند که رتبه ایران از نظر شاخص توسعه انسانی در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و سازمان ملل متحد به ترتیب ۱۲ و ۷۶ است. حیدری و کرمی (۱۳۹۴) به «بررسی تطبیقی شاخص توسعه انسانی ایران، مالزی و ترکیه با تأکید بر شاخص اقتصادی در دهه اخیر (۲۰۰۴-۲۰۱۲)» پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های توسعه انسانی کشور ایران افزایش داشته است و از لحاظ شاخص اقتصادی که شامل شاخص درآمد و درآمد سرانه است. کشور مالزی در هر دو مورد نرخ رشد بیشتری را نسبت به ایران دارد، در حالی که کشور ترکیه در شاخص درآمد نرخ رشد کمتری و در درآمد سرانه نرخ رشد بیشتری را نسبت به ایران دارد. حصار (۱۳۹۴) در مقاله تحت عنوان «شاخص توسعه انسانی، چالش‌های مرتبط با آن و محاسبه آن برای ایران در سال ۱۳۹۰» نتیجه گرفت که شاخص توسعه انسانی در ایران طی سال‌های گذشته همواره روند روبه رشدی پیموده است. هرچند این روند با نوساناتی همراه بوده و در برخی مقاطع زمانی فرازو فرودهایی به خود دیده است ولی همواره تلاش سیاست‌گذاران و دولت‌مردان مبتنی بر توسعه و بهبود این شاخص بوده است. شاخص توسعه انسانی محاسبه شده برای ایران در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که این شاخص به ۰/۷۲۳ ارتقاء یافته است. گزارش برنامه عمران سازمان ملل متحد شاخص توسعه انسانی کشور را در سال ۲۰۱۱ رقم ۰/۷۰۷ نشان می‌دهد. ویسی ناب و موسوی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی وضعیت شاخص توسعه انسانی در کشورهای منتخب در حال توسعه (ایران، برزیل، پاکستان، ترکیه، مصر و مکزیک)»، نشان دادند که کشورهای منتخب در وضعیت مناسبی به لحاظ شاخص توسعه انسانی قرار دارند زیرا تنها دو کشور پاکستان و مصر به ترتیب با مقدار شاخص توسعه انسانی ۰/۵۳۷ و ۰/۶۸۹ در گروه کشورهای با توسعه انسانی پایین و متوسط قرار دارند و سایر کشورها به ترتیب ترکیه، مکزیک، ایران و برزیل با مقادیر شاخص توسعه انسانی ۰/۷۵۹، ۰/۷۵۶، ۰/۷۴۹ و ۰/۷۴۴ در گروه کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار می‌گیرند.

هدف این پژوهش محاسبه شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ است که برای رسیدن به این هدف سؤال زیر مطرح می‌شود. شاخص توسعه انسانی در استان‌های مختلف ایران در دوره ۹۵-۱۳۸۵ چه مقدار است؟

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر روش توصیفی-تحلیلی و از نظر نوع کاربردی است. داده‌های موردنیاز از مرکز آمار ایران، سالنامه وزارت آموزش و پرورش، بانک مرکزی، نهضت سوادآموزی، بانک جهانی و مرکز بهداشت به‌دست‌آمده است. شاخص توسعه انسانی برای همه کشورها از جمله ایران سالانه محاسبه می‌شود، اما تاکنون این شاخص در داخل کشور برای استان‌ها به تفکیک سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ محاسبه نشده است. برای اندازه‌گیری توسعه انسانی، از شاخص توسعه انسانی که به‌وسیله سازمان ملل متحد ارائه می‌گردد، استفاده شده

است. شاخص توسعه انسانی برای استان‌های کشور طی چهار مرحله محاسبه می‌شود. البته باید ذکر شود که در هر یک از مراحل چهارگانه از فرمول شاخص پایه استفاده شده است.

مرحله اول: اطلاعات مربوط به شاخص امید به زندگی در استان‌های مختلف از مرکز آمار ایران و مرکز بهداشت به دست آمده و شاخص بهداشت از فرمول شاخص پایه محاسبه شده است.

مرحله دوم: اطلاعات مربوط به میزان سواد در استان‌های ایران از سالنامه وزارت آموزش و پرورش، نهضت سوادآموزی و مرکز آمار ایران بر اساس سرشماری ۱۳۸۵، ۹۰ و ۱۳۹۵ به دست آمده و برای محاسبه شاخص آموزش از میانگین هندسی دو شاخص جزئی استفاده شده است.

$$\text{طول دوره مورد انتظار} \times \text{میانگین سال تحصیل‌های} = \text{شاخص آموزش}$$

مرحله سوم: اطلاعات مربوط به درآمد سرانه در استان‌های ایران با استفاده از آمار محصول ناخالص داخلی (بدون احتساب نفت) به تفکیک استان‌ها از اطلاعات اقتصادی حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران، بانک جهانی و نهایتاً لگاریتم شاخص پایه درآمد محاسبه شده است. برای مقایسه دقیق‌تر و همگن شدن استان‌ها از شاخص درآمد سرانه بدون نفت استفاده شده است. مرحله چهارم: بعد از محاسبه شاخص آموزش، بهداشت و درآمد سرانه ناخالص داخلی از روش میانگین هندسی برای ترکیب سه شاخص جزئی و رسیدن به شاخص توسعه انسانی مطابق با فرمول زیر استفاده می‌شود.

$$\text{شاخص } GNI \text{ سرانه} \ln (\text{شاخص آموزش}) (\text{شاخص بهداشت}) = \sqrt[3]{\text{شاخص توسعه انسانی}}$$

یافته‌های پژوهش

پس از انجام محاسبات با روش‌های معرفی شده، نتایج محاسبات به شرح ذیل ارائه می‌شوند.

شاخص بهداشت و سلامتی: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین شاخص امید به زندگی در استان‌ها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۷۸۷، ۰/۸۰۸ و ۰/۸۵۳ است. امید به زندگی کشور در سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۷۱/۵، ۷۲/۷۵ و ۷۴ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). همچنین شاخص امید به زندگی کشور در سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۷۷۵، ۰/۷۹۵ و ۰/۸۱۶ است. مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین وضعیت شاخص امید به زندگی در بدو تولد استان‌ها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ و مقایسه شاخص بهداشت و سلامتی استان‌ها با کشور در جدول‌ها و نمودارهای ذیل ملاحظه می‌گردد.

جدول ۳: مطلوب‌ترین وضعیت شاخص امید به زندگی

سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۵	
استان	مقدار	استان	مقدار	استان	مقدار
گیلان	۰/۷۸۷	گیلان	۰/۸۰۸	البرز	۰/۸۵۳
قم	۰/۷۸۳	قم	۰/۸۰۴	تهران	۰/۸۵۰
گلستان، مازندران	۰/۷۸۲	گلستان، مازندران	۰/۸۰۳	مازندران	۰/۸۳۷

مأخذ: محاسبات تحقیق

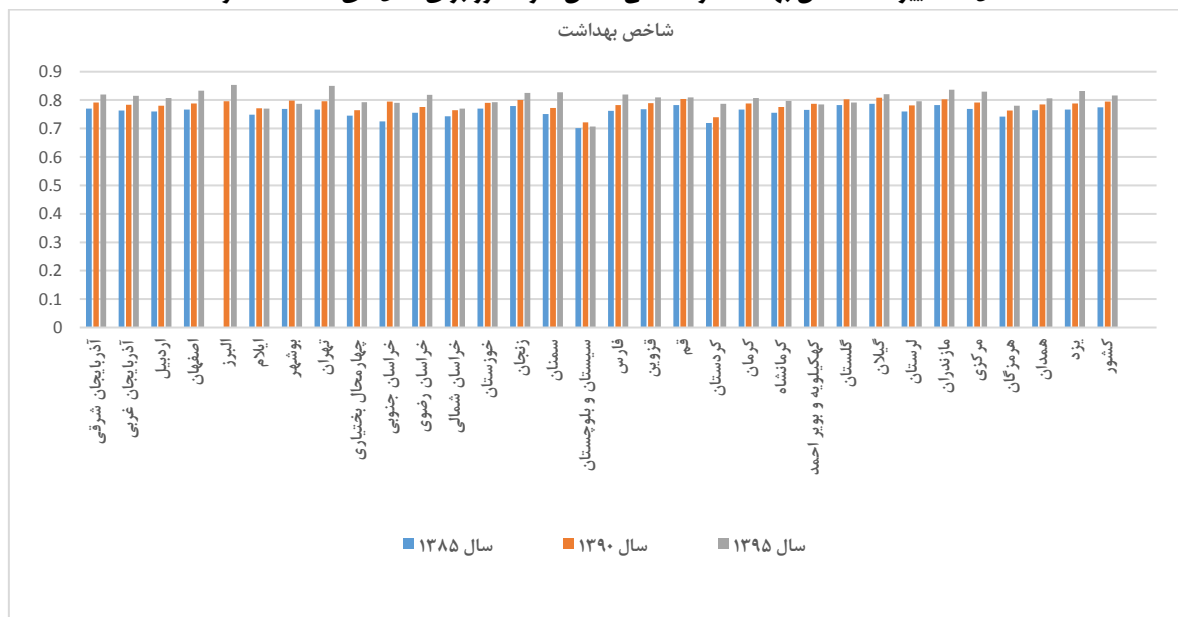
جدول ۴: نامطلوب‌ترین وضعیت شاخص امید به زندگی

سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۵	
استان	مقدار	استان	مقدار	استان	مقدار
سیستان و بلوچستان	۰/۷۰۱	سیستان و بلوچستان	۰/۷۲۲	سیستان و بلوچستان	۰/۷۰۷
کردستان	۰/۷۲۰	کردستان	۰/۷۴۰	ایلام، خراسان شمالی	۰/۷۷۰
خراسان جنوبی	۰/۷۲۵	هرمزگان	۰/۷۶۳	لرستان	۰/۷۷۶

مأخذ: محاسبات تحقیق

^۱ زانجاکه هر شاخص جزئی به عنوان متغیر جانشین بیانگر قابلیت‌ها و دست آورده‌ای متناظر با موضوع مورد نظر است بر اساس پژوهش‌های علمی تابع انتقال سطح درآمد به سطح استاندارد زندگی مقرر بوده و لذا در محاسبه شاخص توسعه انسانی از لگاریتم شاخص پایه درآمد سرانه استفاده شده است.

شکل ۱: تغییرات شاخص بهداشت و سلامتی استان‌ها و کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵



شکل ۲: شاخص بهداشت کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵



شاخص آموزش: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بالاترین شاخص آموزش در استان‌ها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۶۱۱، ۰/۶۸۲ و ۰/۷۷۷ است. شاخص آموزش کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۵۷۷، ۰/۶۶۷ و ۰/۷۳۶ است. مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین وضعیت شاخص آموزش استان‌ها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ و مقایسه شاخص آموزش استان‌ها با کشور در جدول‌ها و نمودارهای ذیل ملاحظه می‌گردد.

جدول (۵): مطلوب‌ترین وضعیت آموزش

سال ۱۳۹۵		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۸۵	
مقدار	استان	مقدار	استان	مقدار	استان
۰/۷۷۷	تهران	۰/۶۸۲	تهران	۰/۶۱۱	اصفهان
۰/۷۷۶	البرز	۰/۶۷۹	البرز	۰/۶۰۷	تهران
۰/۷۷۴	اصفهان	۰/۶۷۵	اصفهان	۰/۶۰۵	فارس

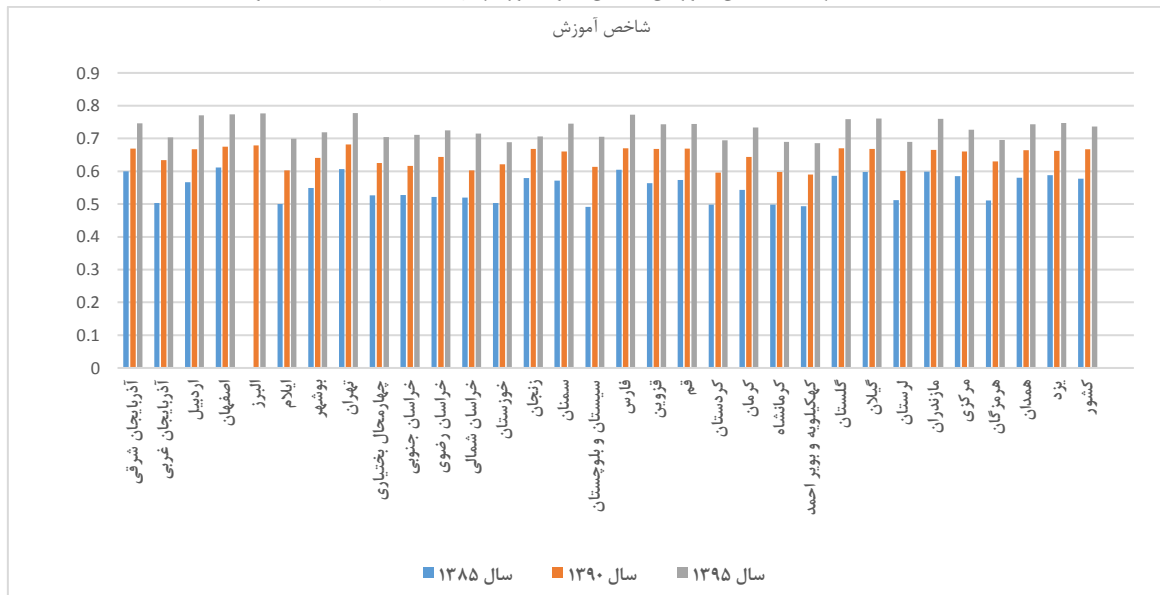
مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول (۶): نامطلوب‌ترین وضعیت آموزش

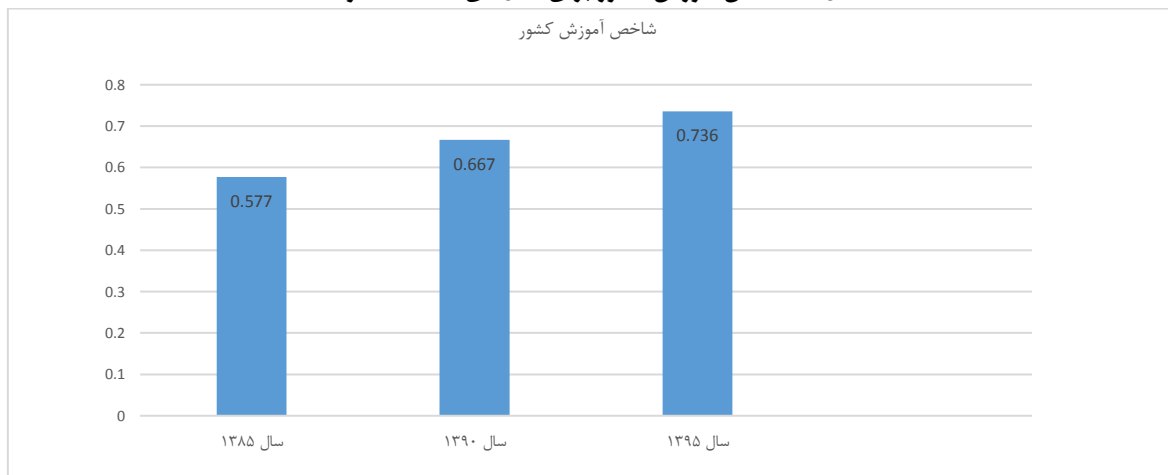
سال ۱۳۹۵		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۸۵	
مقدار	استان	مقدار	استان	مقدار	استان
۰/۶۸۶	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۵۹۰	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۴۹۱	سیستان و بلوچستان
۰/۶۸۹	خوزستان	۰/۵۹۶	کردستان	۰/۴۹۳	کهگیلویه و بویراحمد
۰/۶۹۰	کردستان، کرمانشاه	۰/۵۹۸	کرمانشاه	۰/۴۹۸	کردستان، کرمانشاه

مأخذ: محاسبات تحقیق

شکل ۳: تغییرات شاخص آموزش استان‌ها و کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵



شکل ۴: شاخص آموزش کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵



شاخص رفاه اقتصادی: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین شاخص رفاه اقتصادی در استان‌ها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۸۴۸، ۰/۷۸۰ و ۰/۶۸۹ است. شاخص رفاه کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۷۴۶، ۰/۶۹۸ و ۰/۵۹۲ است. نامطلوب‌ترین وضعیت شاخص رفاه اقتصادی استان‌ها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ و مقایسه شاخص رفاه اقتصادی استان‌ها با کشور در جدول‌ها و نمودارهای ذیل ملاحظه می‌گردد.

جدول ۷: مطلوب‌ترین وضعیت رفاه اقتصادی

سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۵	
استان	مقدار	استان	مقدار	استان	مقدار
تهران	۰/۸۴۸	تهران	۰/۷۸۰	تهران	۰/۶۸۹
مرکزی	۰/۷۸۸	یزد	۰/۷۵۱	یزد	۰/۶۵۹
یزد، سمنان	۰/۷۷۶	سمنان	۰/۷۴۳	مرکزی	۰/۶۵۷

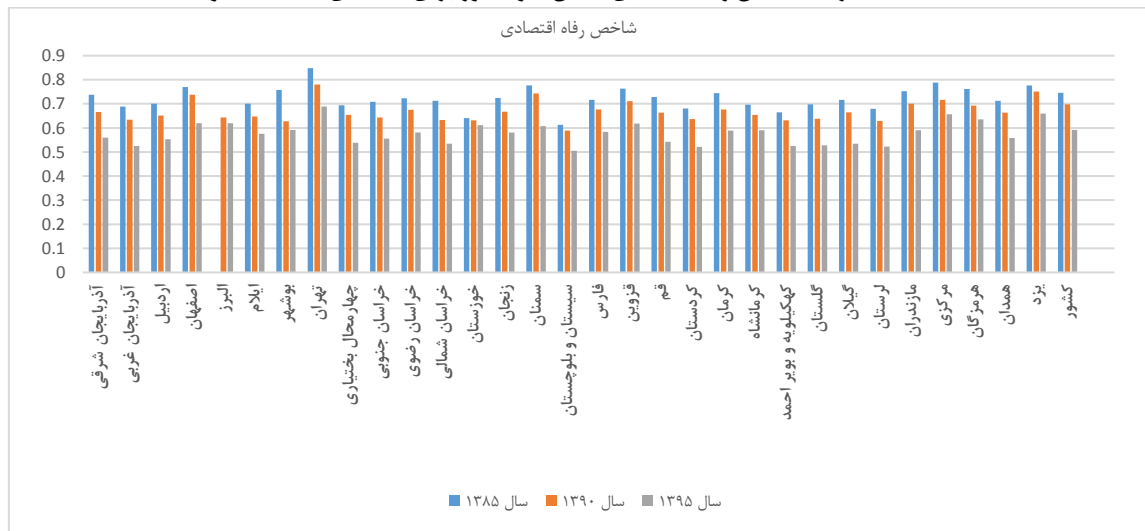
مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۸: نامطلوب‌ترین وضعیت رفاه اقتصادی

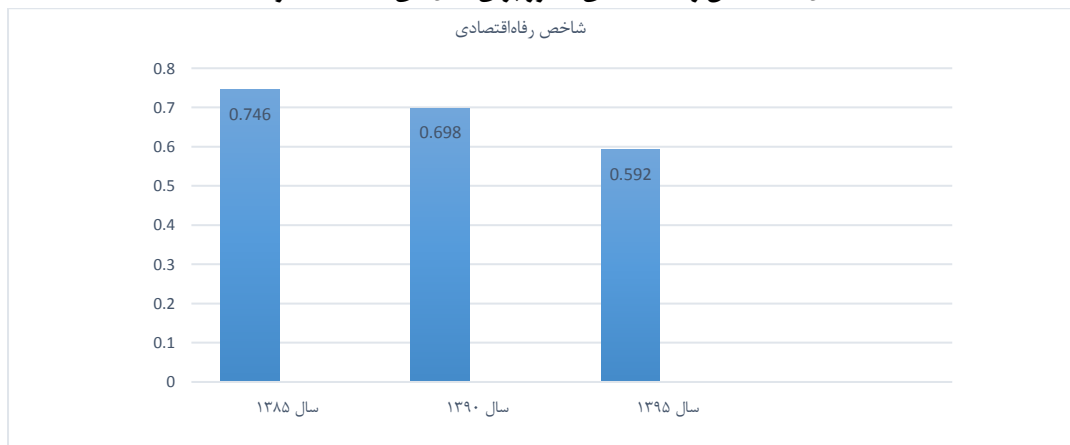
سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۵	
استان	مقدار	استان	مقدار	استان	مقدار
سیستان و بلوچستان	۰/۶۱۳	سیستان و بلوچستان	۰/۵۸۹	سیستان و بلوچستان	۰/۵۰۵
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۶۶۵	لرستان	۰/۶۲۹	کردستان	۰/۵۲۱
کردستان	۰/۶۸۱	بوشهر	۰/۶۲۷	لرستان	۰/۵۲۳

مأخذ: محاسبات تحقیق

شکل ۵: تغییرات شاخص رفاه اقتصادی استان‌ها و کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵



شکل ۶: شاخص رفاه اقتصادی کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵



شاخص توسعه انسانی: یافته‌های حاصل از محاسبات سه شاخص بهداشت، آموزش و رفاه اقتصادی نشان می‌دهد که بالاترین شاخص توسعه انسانی استان‌ها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۷۳۳، ۰/۷۵۱ و ۰/۷۶۹ است. شاخص توسعه انسانی کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ به ترتیب برابر با ۰/۶۹۳، ۰/۷۱۷ و ۰/۷۰۸ است. مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین وضعیت شاخص توسعه انسانی استان‌ها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ و مقایسه شاخص توسعه انسانی استان‌ها با کشور در جدول‌ها و نمودارهای ذیل ملاحظه می‌گردد.

جدول ۹: مطلوب‌ترین وضعیت شاخص توسعه انسانی

سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۵	
استان	مقدار	استان	مقدار	استان	مقدار
تهران	۰/۷۳۳	تهران	۰/۷۵۱	تهران	۰/۷۶۹
اصفهان	۰/۷۱۲	اصفهان، یزد	۰/۷۳۱	البرز، یزد	۰/۷۴۲
مرکزی	۰/۷۰۷	سمنان	۰/۷۲۳	اصفهان	۰/۷۳۶

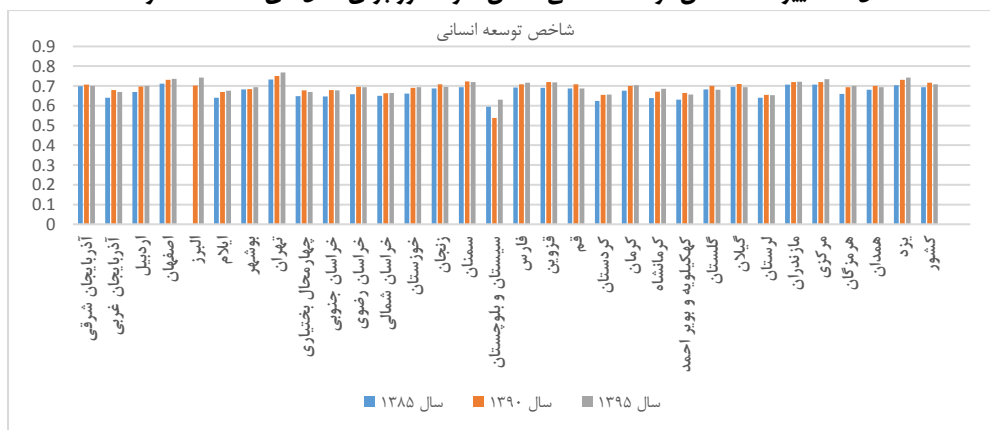
مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۱۰: نامطلوب‌ترین وضعیت شاخص توسعه انسانی

سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۵	
استان	مقدار	استان	مقدار	استان	مقدار
سیستان و بلوچستان	۰/۵۹۵	سیستان و بلوچستان	۰/۵۳۹	سیستان و بلوچستان	۰/۶۳۱
کردستان	۰/۶۲۴	کردستان	۰/۶۵۵	لرستان	۰/۶۵۴
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۶۳۰	خراسان شمالی	۰/۶۶۳	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۶۵۶

مأخذ: محاسبات تحقیق

شکل ۷: تغییرات شاخص توسعه انسانی استان‌ها و کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵



شکل ۸: شاخص توسعه انسانی کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵



هم‌چنین به منظور شناخت بهتر و دقیق‌تر وضعیت توسعه انسانی استان‌های جهت برنامه‌ریزی دقیق‌تر، تخصیص مناسب منابع بین استان‌ها و سیاست‌گذاری مدیران استانی و کشور، شاخص توسعه انسانی استان‌ها و ابعاد آن‌ها در جدول و نمودارهای ذیل ملاحظه می‌گردد.

جدول ۱۱: شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵

استان	شاخص بهداشت			شاخص آموزش			شاخص رفاه اقتصادی			شاخص توسعه انسانی		
	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
آذربایجان شرقی	۰/۷۷۰	۰/۷۹۱	۰/۸۲۰	۰/۶۰۰	۰/۶۶۹	۰/۷۴۹	۰/۷۳۸	۰/۶۶۶	۰/۵۶۰	۰/۶۹۸	۰/۷۰۶	۰/۷۰۱
آذربایجان غربی	۰/۷۶۳	۰/۷۸۴	۰/۸۱۵	۰/۵۰۳	۰/۶۳۴	۰/۷۰۳	۰/۶۸۸	۰/۶۳۴	۰/۵۲۵	۰/۶۴۱	۰/۶۸۰	۰/۶۷۰
اردبیل	۰/۷۶۰	۰/۷۸۰	۰/۸۰۷	۰/۵۶۷	۰/۶۶۷	۰/۷۷۱	۰/۷۰۰	۰/۶۵۲	۰/۵۵۳	۰/۶۷۰	۰/۶۹۷	۰/۷۰۰
اصفهان	۰/۷۶۷	۰/۷۸۸	۰/۸۳۳	۰/۶۱۱	۰/۶۷۵	۰/۷۷۴	۰/۷۷۰	۰/۷۳۸	۰/۶۱۹	۰/۷۱۲	۰/۷۳۱	۰/۷۳۶
البرز	۰/۷۹۶	۰/۸۵۳	۰/۸۵۳	۰/۶۷۹	۰/۷۷۶	۰/۷۷۶	۰/۶۴۳	۰/۶۲۰	۰/۶۲۰	۰/۷۰۲	۰/۷۴۲	۰/۷۴۲
ایلام	۰/۷۴۹	۰/۷۷۱	۰/۷۷۰	۰/۵۰۰	۰/۶۰۳	۰/۶۹۹	۰/۷۰۰	۰/۶۴۸	۰/۵۷۵	۰/۶۴۰	۰/۶۷۰	۰/۶۷۶
بوشهر	۰/۷۶۹	۰/۷۹۸	۰/۷۸۷	۰/۵۴۹	۰/۶۴۱	۰/۷۱۹	۰/۷۵۸	۰/۶۲۷	۰/۵۹۱	۰/۶۸۳	۰/۶۸۴	۰/۶۹۴
تهران	۰/۷۶۷	۰/۷۹۶	۰/۸۵۰	۰/۶۰۷	۰/۶۸۲	۰/۷۷۷	۰/۸۴۸	۰/۷۸۰	۰/۶۸۹	۰/۷۳۳	۰/۷۵۱	۰/۷۶۹
چهارمحال بختیاری	۰/۷۴۵	۰/۷۶۵	۰/۷۹۳	۰/۵۲۷	۰/۶۲۵	۰/۷۰۴	۰/۶۹۴	۰/۶۵۴	۰/۵۳۹	۰/۶۴۸	۰/۶۷۸	۰/۶۷۰
خراسان جنوبی	۰/۷۲۵	۰/۷۹۵	۰/۷۹۰	۰/۵۲۸	۰/۶۱۶	۰/۷۱۱	۰/۷۰۹	۰/۶۴۴	۰/۵۵۶	۰/۶۴۷	۰/۶۸۰	۰/۶۷۸
خراسان رضوی	۰/۷۵۵	۰/۷۷۶	۰/۸۱۹	۰/۵۲۲	۰/۶۴۴	۰/۷۲۵	۰/۷۳۳	۰/۶۷۵	۰/۵۸۱	۰/۶۵۸	۰/۶۹۶	۰/۶۹۴
خراسان شمالی	۰/۷۴۳	۰/۷۶۴	۰/۷۷۰	۰/۵۲۰	۰/۶۰۳	۰/۷۱۵	۰/۷۱۳	۰/۶۳۳	۰/۵۳۵	۰/۶۵۰	۰/۶۶۳	۰/۶۶۵
خوزستان	۰/۷۷۰	۰/۷۹۰	۰/۷۹۳	۰/۵۰۳	۰/۶۲۱	۰/۶۸۹	۰/۷۴۹	۰/۶۷۲	۰/۶۱۱	۰/۶۶۱	۰/۶۹۱	۰/۶۹۳
زنجان	۰/۷۷۹	۰/۸۰۰	۰/۸۲۵	۰/۵۷۹	۰/۶۶۸	۰/۷۰۶	۰/۷۳۴	۰/۶۶۷	۰/۵۸۱	۰/۶۸۸	۰/۷۰۸	۰/۶۹۶
سمنان	۰/۷۵۱	۰/۷۷۲	۰/۸۲۷	۰/۵۷۱	۰/۶۶۰	۰/۷۴۵	۰/۷۷۶	۰/۷۴۳	۰/۶۰۷	۰/۶۹۳	۰/۷۲۳	۰/۷۲۰
سیستان و بلوچستان	۰/۷۰۱	۰/۷۲۲	۰/۷۰۷	۰/۴۹۱	۰/۶۱۳	۰/۷۰۵	۰/۶۱۳	۰/۵۸۹	۰/۵۰۵	۰/۵۹۵	۰/۵۳۹	۰/۶۳۱
فارس	۰/۷۶۲	۰/۷۸۳	۰/۸۲۰	۰/۶۰۵	۰/۶۷۰	۰/۷۷۳	۰/۷۱۶	۰/۶۷۷	۰/۵۸۳	۰/۶۹۲	۰/۷۰۸	۰/۷۱۷
قزوین	۰/۷۶۸	۰/۷۸۹	۰/۸۰۹	۰/۵۶۴	۰/۶۶۸	۰/۷۴۳	۰/۷۶۳	۰/۷۱۱	۰/۶۱۸	۰/۶۹۱	۰/۷۲۰	۰/۷۱۸
قم	۰/۷۸۳	۰/۸۰۴	۰/۸۰۹	۰/۵۷۳	۰/۶۶۹	۰/۷۴۴	۰/۷۲۹	۰/۶۶۳	۰/۵۴۲	۰/۶۸۸	۰/۷۰۹	۰/۶۸۸
کردستان	۰/۷۲۰	۰/۷۴۰	۰/۷۸۷	۰/۴۹۸	۰/۵۹۶	۰/۶۹۴	۰/۶۸۱	۰/۶۳۷	۰/۵۲۱	۰/۶۲۴	۰/۶۵۵	۰/۶۵۷
کرمان	۰/۷۶۷	۰/۷۸۸	۰/۸۰۷	۰/۵۴۳	۰/۶۴۴	۰/۷۳۴	۰/۷۴۵	۰/۶۷۶	۰/۵۸۹	۰/۶۷۶	۰/۷۰۰	۰/۷۰۴
کرمانشاه	۰/۷۵۵	۰/۷۷۶	۰/۷۹۷	۰/۴۹۸	۰/۵۹۸	۰/۶۹۰	۰/۶۹۷	۰/۶۵۴	۰/۵۹۰	۰/۶۳۹	۰/۶۷۱	۰/۶۸۶
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۷۶۶	۰/۷۸۷	۰/۷۸۵	۰/۴۹۳	۰/۵۹۰	۰/۶۸۶	۰/۶۶۵	۰/۶۳۲	۰/۵۲۵	۰/۶۳۰	۰/۶۶۴	۰/۶۵۶
گلستان	۰/۷۸۲	۰/۸۰۳	۰/۷۹۱	۰/۵۸۶	۰/۶۷۰	۰/۷۵۹	۰/۶۹۸	۰/۶۳۸	۰/۵۲۸	۰/۶۸۳	۰/۷۰۰	۰/۶۸۱
گیلان	۰/۷۸۷	۰/۸۰۸	۰/۸۲۱	۰/۵۹۸	۰/۶۶۸	۰/۷۶۱	۰/۷۱۶	۰/۶۶۵	۰/۵۳۴	۰/۶۹۶	۰/۷۱۰	۰/۶۹۳
لرستان	۰/۷۶۰	۰/۷۸۱	۰/۷۷۶	۰/۵۱۲	۰/۶۰۱	۰/۶۹۰	۰/۶۷۹	۰/۶۲۹	۰/۵۲۳	۰/۶۴۱	۰/۶۶۵	۰/۶۵۴
مازندران	۰/۷۸۲	۰/۸۰۳	۰/۸۳۷	۰/۵۹۹	۰/۶۶۵	۰/۷۶۰	۰/۷۵۳	۰/۷۰۱	۰/۵۹۰	۰/۷۰۶	۰/۷۲۰	۰/۷۲۱
مرکزی	۰/۷۶۹	۰/۷۹۱	۰/۸۳۰	۰/۵۸۵	۰/۶۶۰	۰/۷۲۷	۰/۷۸۸	۰/۷۱۷	۰/۶۵۷	۰/۷۰۷	۰/۷۲۰	۰/۷۳۴
هرمزگان	۰/۷۴۲	۰/۷۶۳	۰/۷۸۰	۰/۵۱۱	۰/۶۳۰	۰/۶۹۵	۰/۷۶۲	۰/۶۹۳	۰/۶۳۵	۰/۶۶۰	۰/۶۹۳	۰/۷۰۰

همدان	۰/۷۶۵	۰/۷۸۵	۰/۸۰۶	۰/۵۸۰	۰/۶۶۴	۰/۷۴۳	۰/۷۱۲	۰/۶۶۳	۰/۵۵۹	۰/۶۸۱	۰/۷۰۱	۰/۶۹۴
یزد	۰/۷۶۷	۰/۷۸۸	۰/۸۳۲	۰/۵۸۸	۰/۶۶۲	۰/۷۴۷	۰/۷۷۶	۰/۷۵۱	۰/۶۵۹	۰/۷۰۴	۰/۷۳۱	۰/۷۴۲
کشور	۰/۷۷۵	۰/۷۹۵	۰/۸۱۶	۰/۵۷۷	۰/۶۶۷	۰/۷۳۶	۰/۷۱۳	۰/۷۳۹	۰/۷۳۰	۰/۶۸۳	۰/۷۳۱	۰/۷۵۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر شاخص توسعه انسانی استان‌های کشور برای سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵ مورد محاسبه قرار داده است. هدف از این محاسبه کمک به سیاست‌گذاری‌های مناسب جهت رفع محرومیت‌های بین استانی و بهبود شاخص توسعه انسانی بخصوص استان‌های محروم است که در نهایت به تخصیص مناسب استانی و کشوری منجر گردد. به نظر می‌رسد تفاوت شاخص توسعه انسانی بین استان‌ها زیاد است که دلیل عمده آن تفاوت در درآمد سرانه استان‌ها و سپس شاخص بهداشت است. علیرغم بهبود شاخص توسعه انسانی در تمام استان‌ها در طی دوره مذکور، اما استان‌های با کمترین و بیشترین مقدار شاخص توسعه انسانی تقریباً تغییر نکرده‌اند. یافته‌های پژوهش به شرح زیر ارائه می‌گردد.

شاخص توسعه انسانی استان‌ها در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که بالاترین رتبه مربوط به شاخص رفاه اقتصادی با رقم ۰/۸۴۸، رتبه دوم مربوط به شاخص بهداشت با رقم ۰/۷۸۷ و رتبه سوم مربوط به شاخص آموزش با رقم ۰/۶۱۱ است؛ بنابراین شاخص بهداشت و شاخص رفاه اقتصادی در مقایسه با شاخص آموزش در وضعیت بهتری هستند.

شاخص توسعه انسانی استان‌ها در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که رتبه اول مربوط به شاخص بهداشت با رقم ۰/۸۰۸، رتبه دوم مربوط به شاخص رفاه اقتصادی با رقم ۰/۷۸۰ و رتبه سوم مربوط به شاخص آموزش با رقم ۰/۶۸۲ است.

شاخص توسعه انسانی استان‌ها در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که رتبه اول مربوط به شاخص بهداشت با رقم ۰/۸۵۳، رتبه دوم مربوط به شاخص آموزش با رقم ۰/۷۷۷ و رتبه سوم مربوط به شاخص رفاه اقتصادی با رقم ۰/۶۸۹ است؛ بنابراین شاخص آموزش و بهداشت در مقایسه با رفاه اقتصادی در وضعیت بهتری هستند. برای بالا بردن شاخص رفاه اقتصادی باید از مسیر تقویت و ارتقای کیفیت نهادها گذشت.

با دقت در یافته‌های پژوهش ملاحظه می‌گردد که شاخص آموزش استان‌ها، نقطه قوت شاخص توسعه انسانی استان‌ها است که نشان می‌دهد تحولات خوبی در سال‌های اخیر رخ داده است و وضعیت آموزش در کشور از دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ همواره رو به بهبود است. شاخص آموزش از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ رشدی تقریباً معادل با ۳۳ درصد داشته است. تحقق اقتصاد دانایی محور در گرو علم محور شدن تولیدات آن است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ شاخص امید به زندگی استان‌ها رو به افزایش است، دلیل آن کاهش مرگ میر ناشی از بیماری‌های مختلف بخصوص بیماری‌های عفونی است. ولی بهتر این بود که بسیاری از مرگ‌های ناشی از تصادفات، بیماری قلبی و سرطان‌ها نیز که رو به افزایش هستند، جلوگیری شود تا روند رشد شاخص بهداشت با شتاب بیشتری ادامه یابد. شاخص بهداشت از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ رشدی معادل با ۸ درصد داشته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ شاخص رفاه اقتصادی استان‌های رو به کاهش است. شاخص رفاه اقتصادی در دوره مذکور کاهش معادل با تقریباً ۱۹ درصد داشته است. یکی از دلایل این موضوع نیز می‌تواند بحران‌های جهانی و به تبع آن کاهش درآمدهای نفتی ایران باشد؛ بنابراین بخش اقتصادی کشور نیازمند توجه بیشتر از سوی دولت است؛ چراکه شاخص اقتصادی از مهم‌ترین ابعاد شاخص‌های توسعه انسانی در کشور است که کاهش یا افزایش آن تبعات بسیاری را به همراه دارد که خود می‌تواند منشأ بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی و مهاجرت به استان‌های با توسعه انسانی بالا باشد. به طور کل، به نظر می‌رسد وضعیت شاخص بهداشت و آموزش در ایران به تناسب بهتر از شاخص درآمد بوده است.

در این پژوهش بیشترین میزان شاخص توسعه انسانی در دوره ۹۵-۱۳۸۵ مربوط به استان‌های تهران، اصفهان، البرز، مرکزی سمنان و یزد بود و کمترین میزان شاخص توسعه انسانی مربوط به سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویر احمد و لرستان بود. عوامل زیادی در ایجاد تفاوت بین استان‌های کشور از نظر شاخص‌های محاسبه شده نقش دارند، اما علت اصلی تمرکز گرایی در نظام حکومتی ایران و نحوه توزیع نامناسب منابع و ثروت بین استان‌های کشور است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استان‌های دارای شاخص توسعه انسانی پایین منطبق بر استان‌های مرزی کشور است. همچنین استان‌هایی که دارای وضعیت مطلوبی در شاخص توسعه انسانی هستند اغلب در مرکز کشور واقع شده‌اند. به‌طور کلی بافاصله گرفتن از مرکز کشور به سمت مناطق مرزی، شاخص توسعه انسانی رو به نزول بوده است؛ بنابراین انتظار می‌رود با توجه به امکانات بالقوه موجود در مناطق کشور، شاخص‌های توسعه انسانی ارقام بهتری را نشان دهند. این امر تنها با توجه همه‌جانبه مسئولان در تدوین سیاست‌های مناسب در جهت توسعه هرچه بیشتر محقق می‌شود. در کل بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاخص توسعه انسانی در دوره مذکور برای همگن‌تر شدن رشد یافته است، ولی هنوز نیاز به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مخصوصاً در مناطق مرزی ضروری به نظر می‌رسد. شاخص توسعه انسانی فقط ابعاد آموزش، امید به زندگی و درآمد سرانه‌ی را شامل می‌شود و به سایر جنبه‌های چالش‌برانگیز رفاه مانند کاهش نابرابری درآمد، نابرابری جنسیتی، آزادی‌های سیاسی و مدنی، فساد اداری، آلودگی محیط‌زیست یا امنیت اقتصادی ورود پیدا نمی‌کند و این مسئله می‌تواند به‌عنوان یک ضعف تلقی شود. گزارش توسعه انسانی از سال ۱۹۹۵ شاخص فقر انسانی را معرفی نمود که این شاخص برخلاف شاخص توسعه انسانی به عدم دستیابی افراد به ابعاد اساسی توسعه انسانی توجه دارد. محاسبه این شاخص تصویر کامل‌تری از فقر ارایه می‌کند، زیرا علاوه بر درآمد، فقدان سایر ابعاد از جمله دانش و بهداشت را در نظر می‌گیرد.

منابع

- آصف زاده، سعید و زکیه پیری. (۱۳۸۳). مفاهیم توسعه انسانی و روند شاخص توسعه انسانی در ایران. ۲ فصلنامه طب جنوب، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۹۷-۱۹۰.
- امیری، نعمت‌الله. (۱۳۹۰). روش محاسبه شاخص توسعه انسانی. مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱۲، صص ۱۳۸-۱۳۱.
- بانک مرکزی ایران. (۱۳۹۵). اداره حساب‌های ملی ایران. سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۸۵.
- پورمحمدی، محمدرضا و نادر زالی. (۱۳۸۲). توسعه انسانی، چالش‌ها و چشم‌اندازها (با نگاهی تحلیلی به شاخص توسعه انسانی در ایران). نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، صص ۵۳-۳۷.
- حصاری، علی. (۱۳۹۴). شاخص توسعه انسانی، چالش‌های مرتبط با آن و محاسبه آن برای ایران در سال ۱۳۹۰. مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران، سال ۲۶، شماره ۱، صص ۲۴-۱.
- حیدری میانه، رحیم و سونیا کرمی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی شاخص‌های توسعه انسانی ایران، مالزی و ترکیه با تأکید بر شاخص‌های اقتصادی در دهه اخیر (۲۰۰۴-۲۰۱۳). مجله اقتصادی، شماره ۱، صص ۲۲-۵.
- خاکسار، شهربانو و جمشید یزدانی. (۱۳۹۴). روند تغییرات شاخص امید به زندگی مردم استان مازندران در سال‌های ۹۰-۱۳۸۴. مجله علوم پزشکی مازندران، شماره ۱۲۸، صص ۹۶-۹۱.
- زینل زاده، رضا، صمد برزوین و علیرضا قجری. (۱۳۹۱). بررسی شاخص‌های توسعه انسانی - آموزشی در استان‌های کشور (در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰). فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیا انسانی، سال ۴، شماره ۲، صص ۸۲-۶۳.
- سازمان نهضت سوادآموزی دفتر نظارت، سنجش و ارزشیابی
- سلیمی، فرشید و ویدا یاروسی. (۱۳۹۴). توسعه انسانی به‌عنوان محور توسعه اقتصادی کشورها (به همراه سری زمانی برای منتخب از کشورها). تحلیل بانک، منشور تحلیل اقتصاد مالی و اقتصاد ریاضی مالی، صص ۲۶-۱۷.
- سید جوادین، سید رضا. (۱۳۸۴). توسعه انسانی و چشم‌انداز ج ا ایران. مجله کمال مدیریت، ویژه‌نامه مدیریت دولتی چشم‌انداز ج ا ایران، بهار ۱۳۸۴، شماره ۸ و ۹، صص ۱۶۲-۱۴۳.
- صادقی امینی، محسن و محمود جمعه پور. (۱۳۹۳). معرفی شاخص توسعه انسانی. رفاه اجتماعی، شماره ۷۴، صص ۸۷-۸۳.
- عباس نژاد، حسین و علینقی رفیعی امام. (۱۳۸۴). ارزیابی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۲، صص ۱۹-۱.
- عماد زاده، مصطفی. (۱۳۷۰). اقتصاد آموزش و پرورش. تهران، نشر نی.
- فطرس، محمدحسین، مرتضی نعمتی و اعظم اکبری. (۱۳۹۰). شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۰. مجله سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۸۴، صص ۱۲۳-۱۱۰.
- محمودی، محمدجواد. (۱۳۹۰). محاسبه شاخص توسعه انسانی-کشور، استان تهران و شهرستان‌های آن. فصلنامه جمعیت، شماره ۶۷، صص ۱۵۷-۱۵۰.

- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵
 مظفر زاده، فتح‌الله، علیزاده، رضا علیزاده و غلامحسین وزیری. (۱۳۹۱). مقایسه توسعه انسانی در ایران و کشورهای منطقه. نشریه صنعت دانشگاه، سال ۵، شماره ۱۵ و ۱۶، صص ۲۳-۱۳.
- موثقی، سید احمد. (۱۳۷۸). اقتصاد سیاسی توسعه و توسعه‌نیافتگی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص. ۳۳.
- نافزیگر، واین. (۱۳۹۵). توسعه اقتصادی. غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی، ص ۶۶.
- ویسی ناب، فتح‌الله و میر ستار صدر موسوی. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی وضعیت شاخص توسعه انسانی در کشورهای منتخب درحال توسعه (ایران، برزیل، پاکستان، ترکیه، مصر و مکزیک). فصلنامه جغرافیای سرزمین، شماره ۵۳، صص ۱۴۱-۱۲۵.
- Elsbeth, H., Kara-Fai, G. and Sharpe. A. (2012). The Human Development Index in Canada: Estimates for the Canadian Provinces and Territories, 2000-2011, CSLS Research Report 2012-2, Ottawa, p. 14.
- Escap. Showing the Way Methodologies for Successful Rural Poverty Alleviation Projects: Bangkok. ESCAP. 1996
- UNESCO, Global Education Digest. (2004). Comparing Education Statistics across the World, UNESCO Institute for Statistics, Montreal, p.11.
- United Nations Development Programme (UNDP): Human Development Report 1990, 2003, 2010, 2011, 2015
- private incomes and public services. J Economy Perspect 1993, p.7.
- Permanyer, I. (2013). Using Census Data to Explore the Spatial Distribution of Human Development. Journal of World Development, 46, pp. 1-13.
- Suri, T. Boozer, M.A. Ranis, G. Stewart, F, (2011). Paths to Success: The Relationship between Human Development and Economic Growth, World Development, 39(4), pp.1- 42.
- Todaro and Smit. (2012). Economic Development, 11th Edition, 2012, p 54.
- Yakunina, R.p., & Bychkov, G. A. (2015). Correlation Analysis of the Components of the Human Development Index across Countries, Journal of Procedia Economics and Finance, 24, pp. 766-771.

نحوه استناد به مقاله:

عسکری پور لاهیجی؛ حسین و عطوفت شمسی؛ رضا. (۱۳۹۸). محاسبه و بررسی شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵. مجله توانمندسازی سرمایه انسانی. ۲ (۴)، ۳۳۱-۳۴۵. http://jhce.iurasht.ac.ir/article_672624.html

